

همایش علمی مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش های اجتماعی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رهنورد (استان بلخ، کشور افغانستان) - جهاد دانشگاهی استان تهران))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۱۵۲۱/۳۳۰۱

تاریخ برگزاری همایش: ۱۳ خرداد ۱۴۰۰ شماره مقاله: ۹۵/۱۹۹ رده بندی کنگره: الف ۷۸۸۵۵/۹۰۳

تعامل حقوق و اخلاق

آزیتا محمدی

چکیده

دورکیم، در جامعه شناسی علمی خود، مبتنی بر مبانی پوزیتیویستی، سعی در بررسی مفهوم اخلاق نموده و اخلاق را بعنوان یک واقعیت اخلاقی عاملی برای تنظیم کردن قواعد رفتاری مجاز میان افراد جامعه می داند. اما آیا این اخلاق، خاستگاهی دینی داشته یا سکولار بوده؟ اخلاقی سکولار بوده، مربوط به چگونگی صفات، رفتارها و هنجارهای حاکم بر آنها، مبتنی بر دیدگاه غیردینی، یا ضد مرجعیت دینی که خواستار دخالت انحصاری و مطلق عقل خودبنیاد و علم در تنظیم امور زندگانی بوده و سعادت دنیوی و رفاه اجتماعی بشر، تنها غایت مطلوب آن است. از سویی دیگر میان اجزای جامعه بایستی مجموعه ای از هماهنگی ها و تعاون برقرار باشد، دورکیم عامل اصلی برقراری این همبستگی در دوران معاصر را که ماهیتی ارگانیک دارند، تقسیم کار می داند و حقوق، بعنوان نمود بیرونی این همبستگی، رسالت برقراری هماهنگی و تعاون در جامعه را برعهده دارد. اخلاق، بنیان حقوق بوده و دورکیم با وجود رویکرد پوزیتیویستی که دارد، در پاسخ به وحدت یا جدایی حقوق و اخلاق؟ نه تنها، حقوق و اخلاق را از هم بیگانه ندانسته بلکه بدلیل وحدت منشأ، آنها را در تعامل با هم می داند.

واژگان کلیدی: واقعیت اخلاقی، اخلاق حرفه ای و اخلاق مدنی، پوزیتیویسم حقوقی،

حقوق، اخلاق دینی

بخش اول: تحلیل تاریخی روابط اخلاق و حقوق

ریشه‌ی جدایی اخلاق و حقوق را باید در نوشته‌های ارسطو، حکیم بزرگ یونان جستجو کرد. ارسطو حکمت را به سه شعبه اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن تقسیم کرد. اگر چه در این تقسیم‌بندی نامی از حقوق نیامده ولی آنچه از تدبیر منزل و سیاست گفته‌اند مبنای قواعد حقوقی است. با این وجود، قدرت عادات و رسوم و اجباری بودن قواعد مذهبی مانع جدایی اخلاق و حقوق شده و تفاوتی بین حقوق و اخلاق نبود. وقتی در قرن ۱۸ میلادی نهضت آزادی خواهی نضج گرفت، در جریان آن، سعی بر این شد که قلمرو دولت را محدود به اعمال بیرون کنند یعنی بین اخلاق و حقوق یک مرز مشخص بنا نهند. اعتقاد آنها این بود آنچه که درون ماست مربوط به خود ماست. هدف سیاسی این عقیده این بود که قدرت دولت‌ها را در راه زندگی شخصی مردم محدود کنند. تأمین آزادی عقیده و مذهب سبب شد که در قرن ۱۸ درباره‌ی استقلال حقوق و اخلاق اصرار ورزند. کریستیان تمازیوس اولین کسی است که در ۱۷۰۵ با هدفی سیاسی، مسأله‌ی فرق حقوق و اخلاق را اینگونه مطرح می‌کند: «نیاز به محدود ساختن اعمال دولت و مطالبه‌ی آزادی فردی در بعضی قلمروها بخصوص، آزادی فکر و عقیده».^۱ جنگ جهانی اول و دوم ثابت کرد که هرچه در راه دموکراسی تلاش کنیم ظلم را نمی‌توان از بین برده پس باید اصولی پیدا می‌شد که در دموکراسی محدودیت ایجاد کند و سعی شد ارتباط بین حقوق و اخلاق حفظ شود. با این وجود می‌بینیم که جدای از تفاوت مبانی و دیدگاه‌ها در بیان وحدت یا تفکیک حقوق و اخلاق، سیر تاریخی نیز از ابتدا بر وحدت آنها بوده و بعد نظراتی مبنی بر تفکیک مطرح شده. بنا بر این، رویکرد‌هایی را که در جریان این تحولات تاریخی بوجود آمده معرفی می‌کنیم. اساساً در خصوص با این ارتباط، سه دیدگاه زیر مطرح می‌باشند:

- پوزیتیویسم حقوقی اصرار دارد که استدلال حقوقی تماماً با موقعیت بیرونی ارتباط دارد. برای تعیین این که ببینیم چه چیزی قانون است صرفاً باید ببینیم چه چیزی قانون اعلام شده است.

^۱ - کاتوزیان، فلسفه‌ی حقوق، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۹۱

^۲ - تمازیوس، کریستیان، به نقل از؛ تبت، مارک، فلسفه‌ی حقوق، همان، ص ۴۵

- در دیدگاه حقوق طبیعی، استدلال حقوقی عیناً همان استدلال اخلاقی می باشد تا آنجا که دست کم، در امور بنیادین، تنها قانون واقعی در هر جامعه ای قانون اخلاقی است و اگر قانونگذار قانونی را برخلاف قانون اخلاقی مزبور برگزید آن قانون از اعتبار ساقط است. در دیدگاه تفسیری، استدلال حقوقی به جای اینکه صرفاً به توصیف یا قضاوت درباره ی تاریخ حقوق بنشیند آن را تفسیر می کند. این دیدگاه بدنبال گونه ای از صورت بندی دوباره ی آرای حقوقی گذشته است که با واقعیت تاریخ حقوق بیشتری «سازگاری منطقی» را داشته و از بالاترین جذابیت اخلاقی برخوردار باشد. «این دیدگاه، صرفاً یک تفحص تاریخی و یا یک تحلیل انتزاعی در باره ی این که چه قواعدی متناسب با ایده آل عادلانه هستند نمی باشد بلکه ترکیبی از هر دو را در بر دارد.»^۱ در این میان، پوزیتیویسم حقوقی، ضمن تأکید بر جدایی حقوق و اخلاق، با صراحت بین هنجارهای حقوقی و اخلاقی فرق می گذارد. از این منظر، ممکن است حتی یک نظام متشکل از هنجارهای ظالمانه نیز نظام حقوقی به شمار آید. در مقابل، نظریه ی حقوق طبیعی کلاسیک بر این واقعیت اصرار می ورزد که طبیعت حقوق به گونه ای است که برخی ارتباطات لازم با اخلاق را ایجاد می کند و هنجارهای بنیادین و معتبر اخلاقی باید بر هنجارهای حقوقی اثرگذار باشد.^۲

بخش دوم: تفکیک یا وحدت حقوق و اخلاق

دورکیم چه رابطه ای را میان حقوق و اخلاق بر می شمرد؟ از یک طرف وجدان اجتماعی، واقعیتی را پدید می آورد بنام اخلاق، که قواعد رفتار ما را تحت نظم می کشد و برای تنظیم رفتارهای اجتماعی دستوراتی دارد و خوب و بد را به ما می شناساند. «جنبه ی ذهنی و درونی سلوک اجتماعی را مشخص می کند و در مقام عمل ما را رهنمون می سازد که چگونه عمل کنیم و از طرفی دیگر تکالیف و دستوراتی تحت نظم حقوق در می آیند تا همبستگی اجتماعی را بوجود آورند. قواعدی که جامعه را تحت یک نظام واحد سرپرستی کند و مانع از هم

^۱ - دورکیم، رونالد، حقوق و اخلاق، محمد راسخ، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۲۸۲-۲۸۳، بهار و تابستان ۱۳۷۸

^۲ - شینر، راجر، اخلاق، عبدالحکیم سلیمی، معرفت، شماره ۸۲، ص ۹۳، مهر ۱۳۸۹

^۳ - رحمانی فرد، شهرداد، جامعه شناسی حقوق، تهران، بهینه، ۱۳۸۶

پاشیدگی و تنش میان آنها شود.^۱ اکنون باید دانست نظام فکری دورکیم در مواجهه با این دو نوع دستورات و ارزش‌ها یعنی حقوقی و اخلاقی چه رابطه‌ای را ترسیم می‌کند. اساساً آن دو را یک نظام واحد می‌داند یا به جدایی آنها نظر دارد؟ حقوق و اخلاق یکی هستند یا دو ماهیت بیگانه دارند؟ با توجه به آنکه اخلاق برای دورکیم مرکز ثقل تمامی آثار اوست برداشت او از مفهوم اخلاق فوق العاده گسترده بوده، چنانکه از مفهومی بنیادی تا مفهومی پیش پا افتاده تنوع دارد و استفاده از لغت فرانسوی - moeurs - نبودن تفاوت بین اخلاق و حقوق را القاء می‌کند. تمامی قواعد حقوقی به نحوی از انحاء واقعیت‌های محدود کننده‌ی اجتماعی هستند که تمام آنها به اندازه‌ی تمام قواعد اعمال شده‌ی رفتاری دارای اهمیت اجتماعی می‌باشند.^۲ حقوق، قسمت مهمی از آزمایش عملی تجربی اخلاق است، دورکیم این واقعیت را می‌داند که مطالعه‌ی قواعد حقوقی فقط در مورد برخی جنبه‌های خاص اخلاق، راه گشا است. ولی او مطالعه‌ی حقوق را به این دلیل انتخاب کرده که از لحاظ تجربی قابل درک تر است. از آنجاییکه قواعد حقوقی بخشی از قواعد اخلاقی را تشکیل می‌دهند، حقوق و اخلاق بیشتر از این به هم مرتبط هستند که بخواهند بصورت افراط گرایانه از هم جدا شوند. دورکیم در تحقیقش در مورد ملموس‌ترین نمایانگرهای بیرونی اخلاق موجود در حقوق، روی ضمانت‌اجراهای مربوط به زمان شکسته شدن قواعد حقوقی تمرکز دارد. به منظور تفکیک دو نوع ضمانت اجرای مجزا، او به بیان ثنوری شخصی‌اش در مورد همبستگی رو به رشد - بصورت مکانیک و ارگانیک - که بوسیله‌ی انواع مختلف حقوق، شامل قواعد سرکوبگر مربوط به مجازات گناهکار و قواعد سازنده، نه مربوط به بازدارندگی از زیان، که مربوط به اعاده‌ی وضعیت سابق، بطور مثال در حقوق اداری و حقوق قراردادهای می‌پردازد. این موضوع، در بخش معرفی حقوق دورکیم، به هنگام بیان دو نوع همبستگی موجود در حقوق، حقوق سرکوبگر که معرف همبستگی مکانیکی است و حقوق جبران کننده، که معرف همبستگی ارگانیک می‌باشد بیان شده است. نسبت دادن این ادعا، که اگر ضمانت اجراها، جبران‌گر باشند هیچ ارتباطی با وجدان جمعی پیدا نمی‌کنند، و همینطور اینکه، قواعد حقوقی سرکوبگر در راستای آنچه مرکز ثقل و مرکزیت وجدان جمعی است بوجود آمده اند اشتباه می‌باشد. چرا که این مربوط به زمانی می‌شود که دورکیم در حال

۱- تبیت، مارک، فلسفه‌ی حقوق، حسن رضایی خاوری، انتشارات دانشگاه رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۴

Clarke, Michael, Durkheim's Sociology of Law, British Journal of Law and Society, Vol. 3, No. 2 (Winter, 1976), pp. 246-255

انجام تحقیقات عمیق ترش در راستای ایجاد یک مفهوم تکامل یافته ای از حقوق بر مبنای تغییرات زیر پوست اخلاق بود. هرچند دیگر از اصطلاحات متناقض و دوگانه اش استفاده نکرده ولی جنبه ی مجازات گر حقوق انساندوستانه تر و تبدیل به وسیله ای برای تقویت وجدان جمعی بوسیله ی مجازات افراد شد. در نتیجه دیدگاه دورکیم در مورد مجازات افراد، اینگونه بر می آید که وی به تفکر در این مورد که حقوق موجود جامعه، اخلاق مورد نظر خود را که در جنبه های گوناگون جامعه عرضه شده حمایت می کند، ادامه داده است. علاوه بر آن که حقوق مدرن به سمت پذیرش مفهوم رو به رشد فردگرایی پیش رفته است. در کل برای استخراج نظر دورکیم در این زمینه از میان آثارش باید میان قانونی بودن رفتار با اخلاقی بودن آن تفاوت قایل شد، گاهی رفتار آدمی باید مطابق قانون باشد، چه بسا غیر اخلاقی، اما گاهی رفتار آدمی اخلاقی است و بر اساس دستور اخلاق صورت می گیرد، این در نظر دورکیم می شود همان مناسب بودن و مطابق بودن با وجدان و آگاهی جامعه اما در عین حال ممکن است خلاف قانون باشد. دورکیم یک پوزیتیویست می باشد و دانستیم که پوزیتیویسم حقوقی اجتماعی، اعتبار قانون را در قلمرو اقبال یا ادبار جامعه ترسیم می کند. یعنی وقتی یک رفتار قانونی باشد و طبق قواعد حقوقی نظام مند شده باشد، تا زمانیکه جامعه آنرا به رسمیت می شناسد و برای آن احترام قایل است اعتبار خواهد داشت. چه بسا قانونی از طرف مراجع قانونگذاری تدوین شده و برقرار هم باشد اما آگاهی جمعی دیگر برای آن اعتباری نشناسد و آن را خلاف با ارزش های اجتماعی و آداب و رسوم جامعه که همان اخلاق است بداند اینجاست که اخلاق مقدم بر حقوق می شود. در عین حال ممکن است بر عکس این حالت اتفاق بیافتد یعنی رفتار اجتماعی مطابق با وجدان باشد و وجدان و آگاهی جامعه آن قاعده ی حقوقی را بپذیرد، مسلم است وقتی پذیرش و اقبال جامعه همان اخلاق باشد اکنون در اینجا حقوق همان اخلاق است و همبستگی میان آنها برقرار می شود باید نتیجه گرفت که رابطه ی حقوق و اخلاق در نظر دورکیم تابع همان امر مشترک و یکسانی است که وجدان جمعی دانسته می شود. در نتیجه بنا بر پوزیتیویسم حقوقی دورکیم، حقوق و اخلاق رابطه ای متأثر از وجدان جمعی دارند. یعنی رابطه ی بین حقوق و اخلاق تابعی است از نزدیکی یا دوری قاعده ی حقوقی با وجدان جمعی. از یک طرف حقوق دورکیم، حقوق «هست ها» ست و حقوقی پوزیتیویستی است، با اخلاق و باید های اخلاقی بیگانه است و از سوی دیگر حقوق او، حقوقی است متکی به وجدان و شعور جمعی، حقوقی که باید مورد حمایت

مجموع آگاهی و وجدان جامعه باشد. و این وجدان جمعی و هماهنگی حقوق با آن در نهایت حقوق دورکیم را با اخلاق روبرو می‌کند. در نتیجه مشهود است که رابطه‌ی حقوق و اخلاق از منظر دورکیم حالتی دوپهلو دارد. از یک طرف آن را مستقل از اخلاق عرفی و رایج جامعه دانسته و تنها مورد حمایت وجدان جمعی می‌داند این دوگانگی را باز باید در همان نوع نگاه و اندیشه‌ی دورکیم دانست که نسبت به اخلاق دارد، یعنی همان اخلاق سکولار. بنابر این رابطه‌ی حقوق و اخلاق را دورکیم تا آنجا که هماهنگ و همسوی با وجدان جمعی است رابطه‌ی دو سویه و همبسته می‌داند چرا که از یک منشأ و مبنا برخاسته‌اند. و می‌توان قاطعانه مدعی شد که دورکیم علی‌رغم آنکه نگاهی پوزیتیویستی داشته و سعی در طرح ریزی اخلاقی سکولار دارد، اما رابطه‌ی حقوق و اخلاق از منظر او رابطه‌ی واحد و هماهنگ است.

بخش سوم: وحدت حقوق و اخلاق

مبنای اولیه‌ای که در میان نظریات فیلسوفان برای بیان رابطه‌ی حقوق و اخلاق موجود است، تفاوتی است که میان اعمال انسان قایل می‌شوند و آنرا از جهت ذهنی یا عینی بودن و یا رفتارهای مربوط به درون ما و رفتارهای بیرونی و قایل شدن تفاوت میان آنها بررسی می‌کنند. اخلاق از دو جهت رفتار انسان را بررسی می‌کند یکی فاعل، که از میان کارهایی که انجام می‌دهیم، می‌گوید کدام صحیح است (ذهنی) و یکی هم عکس العمل دیگران نسبت به فعل ما (عینی). «اصل سلوک اخلاقی _ نظامی از قواعد و ضوابط که رفتارهای آدمیان را تنظیم می‌کند- به اینصورت می‌خواهد یک هماهنگی عینی برای سلوک آدمی وضع کند و بصورت یک سلسله رفتارهای مجاز و غیر مجاز در محدوده‌ی افراد متعدد تجلی یابد. این هماهنگی اخلاقی قلمرو حقوق است.»^۱ بنابر این برای ارزیابی سلوک آدمی، اعمال او یا جنبه‌ی ذهنی و شخصی دارند یا عینی و خارجی که این اعمال باید توسط دسته‌ای از ضوابط نسق دهنده تنظیم شوند، بین این قواعد و ضوابط نظام بخش هم، می‌بایست هماهنگی برقرار گردد. این هماهنگی را اخلاق و حقوق بوجود می‌آورند. یعنی برقراری هماهنگی و تنظیم رفتارهای آدمیان مستلزم هماهنگی

^۱ - دل و کیو، فلسفه حقوق، جواد واحدی، نشر میزان، بهار ۱۳۸۰، ص ۳۴

^۲ - دانش پژوه، مصطفی، شناسه حقوق: دانش حقوق، قاعده حقوقی و رابطه حقوق با عدالت، اخلاق و دین،

میان حقوق و اخلاق است. اما تنظیم کردن این رفتار ها و بعبارتی سنجش سلوک ما یا بر اساس فعل و افعالی است که انجام می دهیم یعنی همان جنبه ی ذهنی، که سنجش آن بعهده ی اخلاق است، به این صورت که اینکار را بکنم یا نکنم. یا اینکه ، حقوق در قلمرو عینی و ارزیابی واکنش نسبت به اعمال ما، آن رفتار ها را می سنجد. بر این اساس می توان حقوق را اینگونه تعریف کرد: «هماهنگی عینی اعمال قابل اجرا بین افراد مختلف به موجب یک اصل سلوکی که حدود آن ها را مقرر می دارد و هر ممانعتی را در قبال آنها ممتنع می سازد.»^۱ به عبارتی بین اخلاق و حقوق ، روابط ثابتی وجود دارد که می توان حدود آن ها را از قبل مشخص کرد، زیرا روابط مزبور یک ضرورت منطقی دارند. آنقدر نزدیک هستند که هر دوی آنها بالضروره ارزشی در بر دارند، حقوق بالنفسه برای راهنمایی سلوک آدمی کافی نیست و لازم است به کمک اخلاق تکمیل شود. بنا بر این دیدگاه ، حقوق و اخلاق که هر دو به یک، سان قواعد سلوک را تشکیل می دهند ، لزوماً باید مبنایی مشترک داشته باشند و با توجه به اینکه رفتار آدمی یکی بیش نیست، باید ربطی منطقی بین قواعد تنظیم کننده آن نیز باشد. بنا بر این شاید بتوان بین حقوق و اخلاق تفاوتهایی قابل شد اما جدایی و تناقض نمی شود برقرار ساخت. پیروان این نظریه تا آنجا پیش می روند که می گویند: «حقوق درست است بسیاری از اعمالی را که اخلاقی می داند، مجاز می شمارد ولی این مستلزم هیچ گونه تناقضی نیست. بین این دو، تناقض زمانی رخ می دهد که حقوق، امر به انجام عملی کند که از طرف اخلاق، ممنوع اعلام شده و تاکنون این امر اتفاق نیفتاده است.»^۲ اخلاق، قوانین حقوق را ارزیابی می کند. اگر اخلاق را از کنار حقوق برداریم، زیبایی و لطافت را برداشته ایم و فقط از زور و اقتدار اطاعت کرده ایم. پس طرز اعمال حق باید اخلاقی باشد بعلاوه که با عنایت به قوانین اخلاقی، دولت آزاد نیست هر قانونی را تصویب کند بلکه قوانین و نیرو های اخلاقی مانع آن هستند و اخلاقیات در قوانین نفوذ می کنند. حقوق رسوب تاریخی اخلاق است و این در مورد تعدیل حقوق بسیار مؤثر است، یعنی در کنار قواعد حقوقی یکسری قواعد اخلاق وجود دارد که آنها را متعادل می کند. اگر بخواهیم گواه روشن

^۱ - دل وکیو، همان، ص ۴۰

^۲ - دل وکیو، همان، ص ۴۷

^۳ کاتوزیان، ناصر، اخلاق و حقوق، فصلنامه ی اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره های ۲ و ۱، بهار و تابستان

و کوتاهی برای بیان تفاوت دیدگاه «تفکیک» یا «همبستگی» حقوق و اخلاق بگوییم کافی است به این جمله بسنده کنیم که؛ حقوق طبیعی، ماهیت قانون را با یک تفسیری توصیفی محض از آن مشخص می‌کند که قانون ذاتاً اخلاقی است، در حالیکه پوزیتیویسم حقوقی، قانون را بیان عملی تصمیم سیاسی می‌داند که کاملاً با محتوای آن بی‌ارتباط است. اما گذشته از این رویارویی‌هایی که میان این مکاتب هست و صرفنظر از این که پی بردیم دورکیم حقوق و اخلاق را در ارتباط با هم می‌داند. باید گفت؛ قانون، اجراکننده‌ی اخلاق حداقلی است، بیشتر درباره‌ی محدودیت‌هاست تا اوامر مثبت و هدف اصلی آن برقراری حدود است. با توجه به اصل بقا به عنوان هدف اساسی بشر و حقایقی مسلم مانند آسیب‌پذیری افراد از یکدیگر، تساوی تقریبی قدرت انسان‌ها و محدودیت منابع طبیعی، ناگزیر هنجارهایی ناظر بر منع اضرار میان فردی و نحوه توزیع و تملک منابع طبیعی در هر نظام دستوری برای تنظیم رفتار انسان‌ها وجود دارد. حقوق و اخلاق انسانی باید به طریق اولی شامل چنین هنجارهایی، که به اعتقاد هارت «محتوای حد اقلی حقوق طبیعی» است، باشد. قانون به مراتب نمی‌تواند نسبت به اخلاق بی‌تفاوت بوده و خلاف هنجارها و ارزش‌های اخلاقی حرکت کند. چه بسا که اخلاق رایج در جامعه خود بخشی از افکار عمومی را تشکیل می‌دهد و می‌دانیم که حقوق نسبت به آن نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد. به عقیده‌ی نگارنده نمی‌توان رابطه‌ی ضروری و دستوری بین حقوق و اخلاق برقرار نمود. اما این بدان معنا نیست که وجود همانندی‌ها و هم‌پوشانی‌هایی که بعضاً بدلیل وحدت منشأ یا حکمت مشترک میان قواعد حقوقی و دستورات اخلاقی ایجاد می‌شود را انکار کنیم. گذشته از این به عقیده‌ی نگارنده، نیاز به قانون بیشتر از نیاز به اخلاق است. مثلاً در تشریفات اداری یا تخلفات اقتصادی، قانون شکنی بدون تخلف اخلاقی است. قانون از درک مردم درباره‌ی مسئولیت اخلاقی در این زمینه پیشی گرفته است.

نتیجه گیری

حقوق و اخلاق از جمله پدیده های اجتماعی است که در آثار دورکیم مورد بررسی قرار گرفته و ذکر عنوان واقعیت اجتماعی برای آنها از آن جهت است که، معیار و شاخص تحلیل دورکیم برای مطالعات او، واقعیت اجتماعی می باشد. از این رو دورکیم اخلاق را بعنوان واقعیتی اجتماعی، مجموعه قواعد رفتاری مجازی می داند که رفتار انسان ها را تنظیم کرده و خوب و بد را بدانها می نمایاند. این قواعد رفتاری مجاز، ریشه در جامعه داشته و از درک و شعور اجتماعی نشأت می گیرند. دورکیم منشأ اخلاق را وجدان اجتماعی می داند. بنابر این، مفهوم اخلاق دورکیم مفهومی غیر دینی است. گزاره های دینی الزاماً تقارن و مناسبتی با قواعد اخلاقی ندارند. هیچ الزامی در تبعیت قواعد اخلاقی از دین نیست. به این معنی که نمی توان گفت هر عملی که مبنای دینی نداشته باشد غیر اخلاقی است. یا تنها امور دینی، اخلاقی هستند. برای اخلاقی بودن، انواع دلایل و توجیهات فلسفی و عقلی و عرفی و انسانی و اجتماعی مستقلی می تواند وجود داشته باشد و شاید یکی از آنها هم دینی باشد. اخلاق چیزی است که جامعه آن را درک و فهم می کند. آگاهی، شعور و ادراک جمعی رایج در جامعه است که اخلاق را شناسایی می کند و امر اخلاقی را از غیر اخلاقی باز می شناسد. آنچه که از میان آثار دورکیم در خصوص رابطه ی بین حقوق و اخلاق می توان استخراج کرد این است که رابطه ی حقوق و اخلاق از منظر دورکیم حالتی دوپهلو دارد. از یک طرف حقوق را مستقل از اخلاق عرفی و رایج جامعه دانسته و تنها مورد حمایت وجدان جمعی می داند و از سویی دیگر، برای قانون الزامی اخلاقی بر می شمرد. این دوگانگی را باز باید در همان نوع نگاه و اندیشه ی دورکیم دانست که نسبت به اخلاق دارد، یعنی همان اخلاق سکولار. بنابر این رابطه ی حقوق و اخلاق را دورکیم تا آنجا که هماهنگ و همسوی با وجدان جمعی است رابطه ای دو سویه و همبسته می داند چرا که از یک منشأ و مبنا برخاسته اند. و می توان قاطعانه مدعی شد که دورکیم علی رغم آنکه نگاهی پوزیتیویستی داشته و سعی در طرح ریزی اخلاقی سکولار، اما رابطه ی حقوق و اخلاق از منظر او رابطه ای واحد و هماهنگ است. عبارتی دیگر حقوق و اخلاق از منظر دورکیم منفک و بیگانه نیستند.

منابع و مآخذ

- ابراهام، جی. اچ، خاستگاه‌های جامعه‌شناسی، احمد کریمی، تهران، پاپیروس، ۱۳۶۸.
- اتکینسون، آر. اف، درآمدی به فلسفه اخلاق، ترجمه سهراب علوی نیا، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۰.
- اسکیدمور، ویلیام، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه جمعی از مترجمین، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
- اشلی، دیوید و دیگران، نظریه جامعه‌شناسی، اصول و مبانی کلاسیک، ترجمه سیدعلی اکبر میرمهدی حسینی، کرمان، دانشگاه باهنر کرمان، ۱۳۸۳.
- باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- بُدن، ریمون، مطالعاتی در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک، ترجمه ی باقر پرهام، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۳.
- بنتون.ت و کرایب، یان، فلسفه علوم اجتماعی؛ بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی پرست و محمود متحد، تهران، نشر آگه، ۱۳۸۴.
- بوریل، گیسون و گارت مورگان، نظریه‌های کلان جامعه‌شناسی و تجزیه و تحلیل سازمان، ترجمه محمدتقی نوروزی، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
- پارسانیا، حمید، روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی، قم، کتاب فردا، ۱۳۸۹.
- پترسون، مایکل و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹.
- پولانتزاس، نیکوس، فلسفه حقوق، ترجمه نجاد علی الماسی، میزان، ۱۳۸۶.

- پولانزاس، نیکوس، واقعیت و حقوق، نجاد علی الماسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۵۴.
- دانش پژوه ، مصطفی، شناسه حقوق: دانش حقوق، قاعده حقوقی و رابطه حقوق با عدالت، اخلاق و دین، نشر جنگل، ۱۳۹۱.
- دانش، تاج زمان، مجرم کیست جرم شناسی چیست؟، تهران، مؤسسه کیهان، ۱۳۶۴.
- داور، شیخاوندی، جامعه شناسی انحرافات و مسائل اجتماعی، مشهد، نشر مرندیز، ۱۳۷۹.
- دل و کیو، ژرژ، فلسفه حقوق، ترجمه جواد واحدی، نشر میزان، ۱۳۸۰.
- دورکیم، امیل، خودکشی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۳.
- دورکیم، امیل، صور بنیانی حیات دینی، باقر پرهام، مرکز، ۱۳۸۳.
- دورکیم، امیل، فلسفه و جامعه شناسی، ترجمه فرحناز خمسه ای، تهران، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ ها، ۱۳۶۰.
- دورکیم، امیل، تعلیم و تربیت، علی محمد کاردان، فرخی، ۱۳۶۸.
- دورکیم، امیل، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، مرکز، تهران، ۱۳۸۴.
- دورکیم، امیل، درس های جامعه شناسی (فیزیک اخلاقیات و حقوق)، جمال الدین موسوی، نشر نی، ۱۳۹۱.
- دورکیم، امیل، قواعد روش جامعه شناسی، علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
- دیلینی، تیم، نظریه های کلاسیک جامعه شناسی، ترجمه بهرنگ صدیقی، تهران، نی، ۱۳۸۷.

- رایحیان اصل، مهرداد، بزه دیده شناسی حمایتی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۴.
- کوزر، لیوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۸۵.
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، ج ۱.
- کانت، ایمانوئل، فلسفه حقوق، منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، نقش و نگار، ۱۳۸۰.
- کانت، ایمانوئل، فلسفه فضیلت. منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، نقش و نگار، ۱۳۸۳.
- گوروپچ، ژرژ، درآمدی به جامعه شناسی حقوقی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۵۲.
- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
- گیدنز، آنتونی، چکیده آثار، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، ققنوس، ۱۳۸۳.



دانشگاه جهاد

Academia.edu
California-San Francisco

TBPN.com
Sponsored And Indexed

CiteFactor

مجله های ایران
Symposia

JREF.IR

Directory of Research Journals Indexing
DRJI

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science

CONF PAPER

ESJI
www.ESJindex.org

WORLD OF JOURNALS
باهمایش

Bahamayesh.com
پایگاه اطلاع رسانی
همایش های کشور

sciencealert

easyPapers
Scientific Research Services

INDEX COPERNICUS
INTERNATIONAL

کنفرانس یاب
www.conferenceyab.ir

جهت تقویت رزومه

SID

داوطلبان آزمون دکتری

اساتید دانشگاه، قضات، وکلا

دبیر خانه: تهران، میدان انقلاب،
خیابان آردیبهشت، پلاک ۱۹۲
واحد پذیرش مقالات:

۵۲۶ و ۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۲۱

واحد صدور گواهی نامه:
۸۴ و ۴۴۴۴۱۷۶۴ - ۲۱

مشاور و راهنمای ارسال مقالات:
۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ - ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

www.Ghanonyar.ir www.Olomensani.ir

موسسه قانون پار

با همکاری مراکز علمی و دانشگاه های داخلی و خارج از کشور همچون
مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نمایه مقالات در سایت sid.ir
(دانشگاه بین المللی رهنورد/بلخ/افغانستان)
(موسسه بین المللی icsi world of journals/ورشو/لهستان)
(انجمن علمی بین المللی citefactor/فینیکس/آریزونا)
برگزار می کند:



همایش ملی مطالعات حقوقی، علوم قضایی پژوهش های اجتماعی

محورها و همایش:

- * مقالات در گرایش های حقوق خصوصی، حقوق جزا
حقوق عمومی، حقوق بین الملل، حقوق قضایی، فقهی و ...
- * مقالات در گرایش های علوم ثبتی و علوم اقتصادی و بانکی
- * مقالات در گرایش ها و موضوعات علوم اجتماعی و علوم تربیتی

روش های ارسال مقالات به همایش:

- * ارسال فایل Word مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Phdsara@yahoo.com
- * ارسال فایل Word مقاله به واتس آپ یا تگرام شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲



به ده مقاله برتر و برگزیده همایش، ده تقدیمی به همراه تقدیرنامه مخصوص اعطا می گردد.
به مقالات ارسالی و پذیرفته شده پژوهشگران، گواهی نامه معتبر اعطا می گردد.
تمامی مقالات همایش در پایگاه ها و سایت های ملی و بین المللی نمایه و درج می گردد.
داووری مقالات حداکثر سه روز می باشد و گواهی نامه در کمتر از یک هفته صادر می شود.